



استراتژی‌های کارآمدسازی اقتصاد سیاسی منطقه‌ای افغانستان و ایران

مقاله «استراتژی‌های کارآمدسازی اقتصاد سیاسی منطقه‌ای افغانستان و ایران؛ بر مبنای تحلیل سیستمی نقش بندر چابهار» نوشته روح اله اسلامی (استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد) و ناصر یوسف زهی (دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد) در فصلنامه شماره ۲۸ مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی ویژه پاییز ۹۷ به چاپ رسیده است.

افغانستان و ایران با هدف افزایش تعاملات اقتصادی-سیاسی دوجانبه و منطقه‌ای، توجه ویژه‌ای به بندر چابهار طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۴م. داشته‌اند. اما این مسئله که، این بندر، چگونه می‌تواند در تحقق هدف مذکور سهیم باشد، در ترازوی سنجش علمی، قرار نگرفته است. از اینرو، سؤال اصلی نوشتار حاضر این است که با اتخاذ چه راهبردها و تحت چه شرایطی، بندر چابهار می‌تواند در کارآمدی اقتصاد منطقه‌ای افغانستان و ایران مؤثر باشد. نویسندگان مقاله، با کاربردی روش تحلیل سیستمی مدل، درصدد پاسخ به این سؤال برآمده‌اند. فرضیه‌ی پژوهش از این قرار است که تلاش ایران جهت تنش‌زدایی بین‌المللی برای کاهش تحریم‌ها، و توسعه‌ی زیرساخت‌های ترانزیتی و ساحلی بندر چابهار، موجب تسهیل پیوند اقتصادی افغانستان به بازارهای بین‌المللی جنوب می‌شود. این مهم با درآمدزایی ملی و تشدید وابستگی متقابل اقتصادی و سیاسی ایران و افغانستان، تحقق اقتصاد منطقه‌ای آنان را در پی خواهد داشت. نتایج پژوهش، حاکی از تأثیرپذیری شدید رونق بندر ایران از مولفه‌های خارجی (تحریم‌ها)، تشدید وابستگی تجارت خارجی افغانستان به مسیر ترانزیتی چابهار، و غفلت دولت ایران از بنادر و نواحی ساحلی جنوب شرق است. چابهار تنها نقش بندر و مطالبات صرف اقتصادی ندارد بلکه برای هر دو کشور راه‌گشای مسائلی است که به صورت تاریخی نادیده گرفته شده است. افغانستان انزوای جغرافیایی دارد و ایران نیز به لحاظ مسائل آبی و محیط زیستی در تنگنا است. چابهار می‌تواند شروع مراودات سیاسی و اقتصادی دو کشور به گونه‌ای باشد که فرجام دو بازیگر به یگدیگر پیوند بخورد.

برای دریافت متن کامل این مقاله از لینک دانلود زیر استفاده کنید.